

درباره لایحه بودجه سال ۱۳۸۷ کل کشور (۱۵)
نفت در لایحه

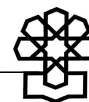
دفاتر: مطالعات برنامه و بودجه
مطالعات زیربنایی

شماره مسلسل: ۲۰۰۸۷۸۸
بهمن ماه ۱۳۸۶

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده.....
۱	مقدمه
۲	۱. قوانین و مقررات زیربنای تنظیم رابطه مالی دولت و شرکت ملی نفت ایران.....
۴	۲. نحوه تنظیم رابطه مالی دولت و شرکت ملی نفت ایران در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۶.....
۴	۱-۲. کارکردهای تبصره «۱۱»
۵	۲-۲. اشکالات تبصره «۱۱».....
۷	۳. ارزیابی لایحه بودجه سال ۱۳۸۷ در خصوص رابطه مالی شرکت ملی نفت با دولت
۷	۱-۳. ویژگی‌های بند «ه» ماده واحده.....
۷	۲-۳. برخی اشکالات بند «ه»
۱۰	۳-۳. استفاده از منابع ناشی از نفت در منابع عمومی دولت
۱۱	۴-۳. ارقام عمده بودجه شرکت ملی نفت ایران براساس لایحه
۱۵	۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادهای جایگزین
۱۶	۱-۴. ضرورت ارائه بند جایگزین
۱۶	۲-۴. پیشنهادهای جایگزین
۲۴	منابع و مأخذ.....



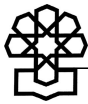
درباره لایحه بودجه سال ۱۳۸۷ کل کشور (۱۵) نفت در لایحه

چکیده

بند «ه» ماده واحده لایحه بودجه سال ۱۳۸۷ به صورتی ارائه شده که تصمیم‌گیری در زمینه رابطه مالی دولت و وزارت نفت (شرکت ملی نفت) را به دولت واگذار کرده است. این امر به معنی واگذاری اختیار قانون‌گذاری مجلس شورای اسلامی به دولت در زمینه مهم‌ترین بخش مالی بودجه است. به عبارت دیگر، با تصویب این بند مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۷ هیچ‌گونه دخل و تصرفی در زمینه نحوه استفاده از وجوه حاصل از صادرات نفت خام، فروش داخلی نفت خام، مایعات و میعانات گازی، فراورده‌های نفتی، تولید و فروش گاز طبیعی و تصفیه شده و فروش برق نخواهد داشت. از آنجا که تعیین چگونگی رابطه مالی دولت و نفت یکی از مسائل مهم و اساسی کشور است، به نظر می‌رسد تبیین این رابطه نیاز به تدوین قانون جامع نفت و اساسنامه شرکت‌های ملی نفت، گاز و پتروشیمی دارد و طرح این مسئله در قالب بندی از ماده واحده صحیح نباشد. همچنین در لایحه بودجه سال ۱۳۸۷، مجموع استفاده از منابع ناشی از نفت ۴۱۶/۹ هزار میلیارد ریال است که ۲۶ درصد نسبت به سال گذشته رشد دارد.

مقدمه

در لایحه بودجه سال ۱۳۸۷ کل کشور در بند «ه» ماده واحده به رابطه مالی دولت و شرکت‌های تابعه وزارت نفت پرداخته شده و دولت پیشنهاد در اختیار گرفتن تنظیم رابطه مالی بین دولت و نفت را مطرح کرده است. همچنین در ردیف‌های مختلفی از منابع عمومی، منابع ناشی از نفت وارد بودجه شده است. در این گزارش به بررسی قوانین زیربنایی تنظیم این رابطه و ویژگی‌ها و اشکالات تبصره «۱۱» قوانین بودجه سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۶، پرداخته و سپس ویژگی‌ها و اشکالات بند «ه» لایحه مورد نظر بیان و بند پیشنهادی جایگزین مطرح شده است. همچنین تصویر روشنی از حجم منابع ناشی از نفت از سوی دولت، در لایحه بودجه ارائه شده است.



۱. قوانین و مقررات زیربنای تنظیم رابطه مالی دولت و شرکت ملی نفت ایران

۱-۱. حسب ماده (۴) «قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران»، مصوب سال ۱۳۵۶، موضوع شرکت مزبور عبارت است از اعمال حق مالکیت ملت ایران نسبت به منابع نفتی و گازی سرتاسر کشور و فلات قاره و اشتغال به عملیات صنعت نفت و گاز و پتروشیمی و صنایع وابسته در داخل و خارج کشور.

۱-۲. حسب ماده (۵۱) همان قانون، درآمد کل عبارت است از سود ویژه به اضافه بهره مالکانه (پرداخت مشخص) و جوهی که به عنوان پذیره و حق الارض و برگشت هزینه اکتشاف عاید شرکت شود. همچنین جوهی که به عنوان سود خالص پس از کسر مالیات از شرکت‌های فرعی و وابسته عاید می‌شود.

۱-۳. حسب تبصره «۱» ماده (۵۱) همان قانون، سود ویژه عبارت است از درآمد حاصل از فروش نفت خام و گاز طبیعی و فراورده‌ها و سایر عملیات مستقیم شرکت پس از وضع هزینه‌های جاری و استهلاک.

۱-۴. حسب ماده (۵۳) قانون مزبور، شرکت مکلف خواهد بود که سرمایه لازم به منظور توسعه عملیات و به‌طور کلی هرگونه سرمایه‌گذاری مورد نیاز خود را در حدود بودجه مصوب از محل درآمد تأمین نماید و در صورتی که درآمد مزبور کافی نباشد، مجمع عمومی از هر طریق دیگری که مقتضی بداند با رعایت قوانین و مقررات مربوط کسری آن را تأمین خواهد کرد.

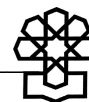
۱-۵. حسب ماده (۵۲) قانون مورد بحث، وجوه دریافتی شرکت حاصل از بهره مالکانه (پرداخت مشخص) و جوهی که به عنوان پذیره و حق الارض عاید شرکت می‌شود، مشمول مالیات نیست.

۱-۶. حسب ماده (۵۴) همان قانون، آنچه از محل درآمد پس از وضع مبالغی که به موجب مقررات این اساسنامه پرداخت می‌شود (نظیر یک درصد ذخیره عمومی موضوع تبصره ماده (۵۴)) باقی بماند به خزانه پرداخت خواهد شد.

۱-۷. طبق تبصره «۳۸» قانون بودجه سال ۱۳۵۸ مصوب شورای انقلاب، اولاً اجازه امضای قراردادهای فروش نفت به وسیله شرکت ملی نفت ایران از طرف دولت داده شده است؛ ثانیاً وجوه حاصل از فروش نفت خام به هر صورت و ثالثاً وجوه حاصل از فروش فراورده‌های نفتی صادراتی مستقیماً به حساب خزانه‌داری کل نزد بانک مرکزی ایران منظور می‌شود.

۱-۸. طبق ماده (۲) لایحه قانونی تأسیس وزارت نفت، مصوب شورای انقلاب، اعمال حق حاکمیت و مالکیت نسبت به منابع و تأسیسات نفتی متعلق به حکومت اسلامی است که براساس مقررات و اختیارات مصرح در قانون مزبور به عهده وزارت نفت است.

۱-۹. به استناد اصل ۴۵ قانون اساسی، انفال و ثروت‌های عمومی «در اختیار حکومت اسلامی» است.



۱۰-۱. طبق ماده (۲) قانون نفت مصوب سال ۱۳۶۶ مجلس شورای اسلامی، منابع نفت کشور جزء انفال و ثروت‌های عمومی است و طبق اصل ۴۵ قانون اساسی در اختیار حکومت اسلامی می‌باشد و کلیه تأسیسات و تجهیزات و دارایی‌ها و سرمایه‌گذاری‌هایی که در داخل و خارج کشور توسط وزارت نفت و شرکت‌های تابعه به عمل آمده و یا خواهد آمد، «متعلق به ملت ایران» و «در اختیار حکومت اسلامی» خواهد بود.

اعمال حق حاکمیت و مالکیت نسبت به منابع و تأسیسات نفتی متعلق به حکومت اسلامی است که بر اساس مقررات و اختیارات مصرح این قانون به عهده وزارت نفت می‌باشد که بر طبق اصول و برنامه‌های کلی کشور عمل نماید.

۱۱-۱. حسب ماده (۱۲۰) قانون برنامه سوم توسعه، مصوب سال ۱۳۷۹، بخشی از تبصره «۳۸» قانون بودجه سال ۱۳۵۸ اصلاح شد. بدین معنا که «حسب بند «الف» ماده (۱۲۰) مورد اشاره، درآمد حاصل از صادرات فراورده‌های نفتی، گاز و میعانات گازی حسب مورد به‌عنوان درآمد شرکت‌های ملی نفت ایران و شرکت ملی گاز ایران تلقی شده و به مصرف ارزی هزینه عملیات جاری (شامل واردات فراورده‌های نفتی و گاز طبیعی) و اجرای طرح‌های سرمایه‌ای مصوب مجلس شورای اسلامی می‌رسد. مبالغ سرمایه‌گذاری فوق از نظر مالیاتی جزء هزینه‌های قابل قبول محسوب خواهد شد و به‌عنوان افزایش سرمایه دولت یا شرکت ملی نفت ایران حسب مورد منظور می‌شود. ضمناً حسب بند «ب» ماده مزبور، درصدی از درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت خام که میزان آن در قوانین بودجه سنواتی تعیین خواهد شد، در قالب سازوکاری که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، در اختیار شرکت ملی نفت ایران قرار خواهد گرفت تا به‌منظور تحقق اهداف برنامه، طبق قوانین و مقررات موجود هزینه شود.

۱۲-۱. حسب مفاد بند «ج» ماده (۳) «قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی»، مصوب سال ۱۳۸۱، مالیات عوارض دریافتی از کالاها برای بنزین ۲۰ درصد قیمت مصوب فروش و حسب مفاد بند «د» ماده (۳) مورد اشاره مالیات و عوارض دریافتی از کالاها برای نفت سفید و نفت گاز ۱۰ درصد و نفت کوره ۵ درصد قیمت مصوب فروش (به‌عنوان عوارض) است.

۱۳-۱. حسب ماده (۱۱۹) قانون برنامه سوم توسعه، به دولت اجازه داده شده بود براساس پیشنهاد وزارت نفت و وزارت نیرو، قیمت فروش داخلی حامل‌های انرژی (برق، گاز طبیعی، نفت سفید، بنزین، نفت و گاز و نفت و کوره) را در لوائح بودجه سنواتی به مجلس ارائه نماید.

۱۴-۱. حسب ماده (۳) قانون برنامه چهارم توسعه، مصوب سال ۱۳۸۳، مقرر شده قیمت فروش بنزین، نفت گاز، نفت سفید، نفت کوره و سایر فراورده‌های نفتی، گاز، برق، آب و همچنین نرخ



خدمات فاضلاب، ارتباطات تلفن و مرسولات پستی در سال اول برنامه چهارم، قیمت‌های پایان شهریور ۱۳۸۳ خواهد بود. برای سال‌های بعدی برنامه چهارم، تغییر در قیمت کالاهای و خدمات مزبور طی لوایحی که حداکثر تا اول شهریور هر سال تقدیم می‌شود، پیشنهاد و به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد.

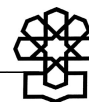
۱۵-۱. حسب ماده (۱) قانون برنامه چهارم توسعه، بند «الف» از سال ۱۳۸۴، مازاد عواید حاصل از نفت نسبت به ارقام پیش‌بینی شده در جدول ۸ این قانون در حساب سپرده دولت نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان، «حساب ذخیره ارزی حاصل از عواید نفت»، نگهداری می‌شود. ضمناً حسب بند «ب» همین ماده، مانده حساب ذخیره ارزی حاصل از عواید نفت خام، موضوع ماده (۶۰) قانون برنامه سوم توسعه با اصلاحات آن در پایان سال ۱۳۸۳ و همچنین مانده مطالبات دولت از اشخاص ناشی از تسهیلات اعطایی از محل موجودی حساب یاد شده در ابتدای سال ۱۳۸۴ از طریق شبکه بانکی به حساب ذخیره ارزی حاصل از عواید نفت واریز می‌گردد. ضمناً حسب بند «و» همین ماده، استفاده از وجوه حساب ذخیره ارزی موضوع این ماده صرفاً در قالب بودجه‌های سنواتی مجاز خواهد بود.

۲. نحوه تنظیم رابطه مالی دولت و شرکت ملی نفت ایران در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۶

از ابتدای برنامه چهارم توسعه رابطه مالی دولت و شرکت ملی نفت ایران در تبصره «۱۱» قوانین بودجه سنواتی تنظیم می‌شود که متضمن مواد زیر بوده است:

۲-۱. کارکردهای تبصره «۱۱»

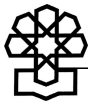
- اصل ۴۵ قانون اساسی به رسمیت شناخت شده است.
- تبصره «۳۸» قانون بودجه سال ۱۳۵۸ لغو شده است.
- وزارت نفت مکلف به واریز صددرصد (۱۰۰٪) وجوه حاصل از صادرات نفت خام به خزانه شده است.
- سهمی از نفت خام تولیدی به شرکت ملی نفت ایران اختصاص داده شده است.
- نرخ ترجیحی برای نفت خام تحویلی به پالایشگاه‌های داخلی (در سال ۱۳۸۶) در نظر گرفته شده است.
- سهم شرکت گاز از گاز طبیعی (در سال ۱۳۸۶) تعیین شده است.
- سود خالص شرکت نفت بعد از پرداخت‌های موضوع تبصره به تأمین منابع لازم برای انجام



- هزینه‌های سرمایه‌ای شرکت مندرج در پیوست ۲ قوانین بودجه اختصاص یافته است.
- مفاد بندهای «ج» و «د» ماده (۳) قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی، تنفیذ شده است.
 - چگونگی تسویه حساب بین خزانه‌داری با شرکت‌های مشمول تبصره یاد شده و اجازه پرداخت مطالبات شرکت‌های مشمول تبصره از حساب ذخیره ارزی تعیین شده است.
 - ارائه گزارش عملکرد تولید نفت و گاز به تفکیک هر میدان در مقاطع سه ماهه به مجلس شورای اسلامی، مورد تاکید قرار گرفته است.
 - دولت ملزم به ارائه گزارش عملکرد تبصره «۱۱» به مجلس شورای اسلامی شده است.
 - اجازه صادرات نفت خام به منظور معاوضه با بنزین حداکثر تا سقف یارانه مندرج در قانون بودجه کل کشور داده شده است.
 - مبالغی از منابع داخلی شرکت‌های تابعه وزارت نفت به امر گازرسانی روستاها اختصاص یافته است.
 - اجازه افزایش مجدد قیمت گاز توسط شرکت ملی گاز علاوه بر قیمت مصرح در جزء ۲ بند «ج» تبصره «۱۱» به منظور امر گازرسانی روستاها داده شده است.

۲-۲. اشکالات تبصره «۱۱»

- ماده (۳) قانون برنامه چهارم توسعه (در اصل جایگزین ماده (۱۱۹) قانون برنامه سوم توسعه) رعایت شده است منتها نه از طریق تقدیم لایحه لازم برای تعیین قیمت‌های مورد نظر از سال دوم برنامه به بعد، بلکه با درج و تعیین تکلیف بهاء برخی کالاها و همچنین فراورده‌های نفت و گاز ضمن لوایح بودجه سنواتی. معنا و مفهوم آن این است که در غیاب تصویب تبصره «۱۱»، «قیمت‌های سال ۱۳۸۶» مبنای قیمت کالاها و فراورده‌های نفت و گاز و ... مصرح در تبصره مزبور خواهد بود.
- از آنجایی که تبصره «۳۸» قانون بودجه سال ۱۳۵۸، ناظر بر وجوه حاصل از فروش نفت خام به هر صورت و فراورده‌های نفتی صادراتی بوده، لذا با لغو آن بایست در تبصره «۱۱»، علاوه بر تعیین تکلیف در مورد وجوه حاصل از فروش نفت خام (تعیین سهم شرکت نفت از نفت خام تولیدی) با توجه به عدم تکرار ماده (۱۲۰) قانون برنامه سوم توسعه در برنامه چهارم توسعه و لغو تبصره «۳۸» مورد اشاره، وجوه حاصل از فراورده‌های نفتی صادراتی (علاوه بر وجوه حاصل از فراورده‌های نفتی در داخل کشور که در تبصره «۳۸» به آن‌ها اشاره نشده است) نیز تعیین تکلیف می‌گردید. لیکن در تبصره «۱۱» مورد اشاره، صرفاً به تعیین تکلیف مابه‌التفاوت قیمت آزاد و



تکلیفی که ناظر بر فروش فراورده در داخل کشور است اشاره شده و وجوه حاصل از صادرات فراورده‌های نفتی مورد اشاره، مسکوت مانده است. استنباط غالب از رویه متخذه می‌تواند این باشد که ماده (۱۲۰) قانون برنامه سوم توسعه حقی را برای شرکت ملی نفت ایران ایجاد کرده که تا لغو نشده به قوت خود باقی است (برخلاف ۵ ساله بودن، به دلیل داشتن آثار مالی مربوط به خود).^۱ شاهد این مدعا، گزارش تفریح بودجه سال ۱۳۸۴ منتشره توسط دیوان محاسبات است که طی آن اعلام داشته، چه مبالغی از این محل صرف امر واردات بنزین و نفت و گاز شده است و نسبت به مابقی آن (به دلیل داخلی منظور کردن این منابع برای شرکت ملی نفت ایران) اعلام نظری ارائه نکرده است (در ضمن بند «ت» تبصره «۱۱» قانون بودجه سال ۱۳۸۴ که مبنای ارائه گزارش مزبور بوده نیز حکایت از صحت استنباط فوق دارد).

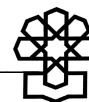
- بند «و» ماده (۱) قانون برنامه چهارم توسعه تصریح می‌کند که استفاده از وجوه حساب ذخیره ارزی صرفاً در قالب بودجه سنواتی مجاز خواهد بود؛ در مورد آثار مالی تسویه حساب‌های فیما بین دولت و شرکت‌های مشمول تبصره «۱۱»، (برخلاف اخذ مجوز ضمن تبصره مورد اشاره)، برداشت از حساب ذخیره ارزی تبلوری در ردیف‌های بودجه‌های سنواتی نداشته و لذا مفاد ماده (۱) قانون برنامه چهارم توسعه راجع به نحوه استفاده از حساب ذخیره ارزی رعایت نشده است.

- با وجود آنکه جدول ۸ قانون برنامه چهارم توسعه تاکنون ۲ اصلاحیه رسمی داشته، اما عملاً این جدول از بابت اثرات تبصره «۱۱» اصلاح نشده است.

- میزان سود سهام و مالیات عملکرد شرکت نفت بر مبنای درصدی از نفت خام تولیدی به منظور رعایت ماده (۴) قانون برنامه چهارم توسعه در قالب یک تصمیم اداری و نه ناشی از فعالیت‌های تجاری یک بنگاه اقتصادی تعیین شده است.

- حسب گزارش تفریح بودجه سال ۱۳۸۴ دیوان محاسبات، ارزش نفت خام تولیدی ۷۶ میلیارد دلار بوده است که ۴۵ میلیارد دلار آن به خارج از کشور صادر و ۳۱ میلیارد دلار آن به مصرف داخلی رسیده است. با توجه به اینکه حسب تبصره «۱۱» قانون بودجه سال ۱۳۸۴ کل کشور مقرر بوده که ۹۲/۷ درصد از ارزش تولید نفت خام به‌عنوان سهم دولت به خزانه واریز شود، علی‌القاعده باید ۷۰/۵ میلیارد دلار از ۷۶ میلیارد دلار ارزش نفت خام تولیدی به خزانه واریز شود، اما در عمل فقط ۴۲/۵ میلیارد دلار (یعنی ۵۵/۹ درصد به جای ۹۲/۷ درصد) به خزانه واریز شده است. لازم به ذکر است که در صورت حذف مبلغ ۲/۱۱ میلیارد دلار پرداختی توسط شرکت ملی نفت ایران بابت معاوضه با بنزین، درصد مزبور به ۵۳ درصد (به‌جای ۵۵/۹)، تنزل می‌یابد. نتیجه عملی این رویه سبب شده که ارزش نزدیک به نیمی از نفت خام تولیدی کشور در بودجه‌های سالانه انعکاسی نداشته باشد.

۱. در تبصره «۳۸» قانون بودجه سال ۱۳۵۸ این درآمدها متعلق به دولت قلمداد شده بود.



۳. ارزیابی لایحه بودجه سال ۱۳۸۷ در خصوص رابطه مالی شرکت ملی نفت با دولت

۳-۱. ویژگی‌های بند «ه» ماده واحده

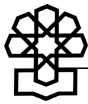
حکم قانونی پیشنهادی دولت در بند «ه» ماده واحده لایحه بودجه سال ۱۳۸۷ به جای تبصره «۱۱» به قانون بودجه سال ۱۳۸۶ تبعات حقوقی ذیل را به دنبال دارد:

- تنظیم رابطه مالی دولت و شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی ایران، شرکت ملی گاز ایران و شرکت مادر تخصصی توانیر توسط دولت،
- تعیین سهم شرکت‌های یادشده از تولیدات خود توسط دولت،
- تعیین قیمت تولیدات شرکت‌های مذکور توسط دولت،
- تسویه و پرداخت مابه‌التفاوت قیمت آزاد فراورده‌های نفتی، گاز طبیعی و تصفیه شده، برق و سایر تولیدات شرکت‌های یاد شده با قیمت‌های فروش تکلیفی آن‌ها در داخل کشور (یارانه‌های انرژی) با حق استفاده از حساب ذخیره ارزی برای پرداخت این یارانه‌ها توسط دولت،
- لغو تبصره «۳۸» دائمی قانون بودجه سال ۱۳۵۸ کل کشور.

۳-۲. برخی اشکالات بند «ه»

۳-۲-۱. واگذاری اختیار قانون‌گذاری به دولت: اصولاً تنظیم رابطه مالی و نوع فعالیت‌های شرکت‌ها بر طبق اساسنامه صورت می‌گیرد. همان‌طور که می‌دانیم در خصوص اساسنامه شرکت ملی نفت سالیان طولانی است که دولت وعده آن را داده و مجلس ملزم به تصویب آن است ولی در عمل اتفاقی نیفتاده است. بند «ه» لایحه به معنای آن است که رابطه مالی که باید در اساسنامه تعیین و اساسنامه باید برای تصویب به مجلس ارائه شود عملاً به دولت واگذار شده و دولت مجاز خواهد بود نسبت به تنظیم رابطه مالی شرکت ملی نفت و دولت براساس سیاست‌های خود اقدام نماید و از این حیث عملاً جایگزین مجلس شود که با توجه به سالیان طولانی انتظار مجلس برای ارائه اساسنامه شرکت ملی نفت این امر به هیچ وجه قابل دفاع نمی‌باشد.

۳-۲-۲. بند «ه» به معنی اجازه دادن به دولت در زمینه تصمیم‌گیری درباره هزارها میلیارد ریال ارزش نفت خام و گاز تولیدی در سال ۱۳۸۷ است. به عبارت دیگر دولت مشخص می‌کند چه سهمی از ارزش نفت خام در اختیار شرکت ملی نفت چه سهمی بابت یارانه‌های انرژی و ... قرار می‌گیرد. همچنین دولت مجاز خواهد بود با تغییر قیمت‌های تمام شده برآوردی برق و حامل‌های انرژی به‌طور مکرر از حساب ذخیره ارزی برداشت کرده و در واقع سقف بودجه را تغییر دهد. این رویه اولاً مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است، زیرا ارقام بودجه با تغییر مصوبات دولت تغییر خواهد



کرد. ثانیاً مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی است، زیرا پرداخت‌هایی انجام خواهد شد که سقف اعتبارات آن توسط مجلس شورای اسلامی معلوم و مصوب نیست. ثانیاً مغایر اصل ۵۵ قانون اساسی است، زیرا مبنای نظارت، مصوبات هیئت وزیران خواهد بود و ایرادهای احتمالی دیوان محاسبات با تغییر مصوبات هیئت وزیران خواهد بود و ایرادهای احتمالی دیوان محاسبات با تغییر مصوبات هیئت وزیران قابل رفع است.

۳-۲-۳. با فقدان تبصره «۱۱» قوانین بوجه سال‌های اخیر و لغو تبصره «۳۸» قانون بودجه سال ۱۳۵۸، عملاً اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب سال ۱۳۵۶، ملاک عمل قرار خواهد گرفت و همه تصمیم‌ها در زمینه مصارف منابع ناشی از نفت در مجمع عمومی شرکت ملی نفت ایران به ریاست رئیس‌جمهور گرفته می‌شود و در عمل امکان اعمال نظرات مجلس در مصرف منابع ناشی از نفت به دولت واگذار می‌شود. با توجه به اساسنامه مذکور امکان صرف منابع مذکور در سایر بخش‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی از طریق مصوبه مجمع میسر است.

۳-۲-۴. قیمت‌گذاری گاز (گاز مصرف داخلی و گاز مصرفی مورد نیاز شرکت‌های تابعه وزارت نفت)، فرآورده‌های نفتی، برق و نفت خام مصرف داخلی مورد نظر قرار نگرفته است. لذا با توجه به ماده (۳) قانون برنامه چهارم توسعه، قیمت‌گذاری نیاز به ارائه لایحه تا شهریور ماه هر سال دارد و در غیاب ارائه لایحه مربوط، قیمت‌های سال ۱۳۸۶ (آن هم بدون تخفیف‌های اعمال شده برای وزارت نفت در سال ۱۳۸۶)^۱ مبنای عمل خواهد بود.

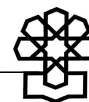
۳-۲-۵. واریز معادل ریالی صادرات نفت خام و فروش فرآورده‌های نفتی توسط بانک مرکزی به حساب درآمد عمومی به‌عنوان یک دستور قابل تلقی است، اما قابلیت اجرایی و مآخذ قانونی برای تلقی این درآمدها به‌عنوان درآمد عمومی با توجه به ماده (۳۷) قانون محاسبات عمومی وجود ندارد.^۲ زیرا نخست، لغو تبصره «۳۸» قانون بودجه سال ۱۳۵۸ و فقدان احکامی نظیر احکام تبصره «۱۱» قوانین بودجه سال‌های اخیر به‌معنای ملاک عمل قرار گرفتن اساسنامه قانونی شرکت ملی نفت ایران و تلقی درآمد ناشی از صادرات نفت خام و فرآورده‌ها به‌عنوان درآمد شرکت مزبور است (تبصره «۱» ماده (۵۱) و ماده (۵۴) اساسنامه).

دوم اینکه، با وجود ماده (۳۷) قانون محاسبات عمومی، وجود درآمد در حساب‌های درآمد عمومی ضمن قوانین بودجه، مجوزی برای وصول از اشخاص تلقی نمی‌شود، لذا نمی‌شود درآمدهای شرکت ملی نفت ایران را به اعتبار وجود درآمد برای شرکت مزبور، تحت سرفصل

۱. نرخ ترجیحی برای نفت خام تحویلی به پالایشگاه‌های داخلی، ۹۳/۷ درصد متوسط بهای محوله‌های صادراتی تعیین شده است.

۲. ماده (۳۷) قانون محاسبات عمومی:

پیش‌بینی درآمد و سایر منابع تأمین اعتبار در بودجه کل کشور مجوزی برای وصول از اشخاص تلقی نمی‌شود و در هر مورد نیاز به مجوز قانونی دارد. مسئولیت وصول صحیح و به موقع درآمدها به عهده رؤسای دستگاه‌های اجرایی مربوطه می‌باشد.



درآمدهای عمومی، به حساب آورد.

۳-۲-۶. کماکان وجوه حاصل از صادرات فراورده‌های نفتی با توجه به استنباط غالب، حسب عرف، در زمره درآمدهای شرکت ملی نفت ایران قرار دارد بدون اینکه مبنایی قانونی برای آن وجود داشته باشد (ماده ۱۲۰ برنامه سوم توسعه در برنامه چهارم تنفیذ نشده است).

۳-۲-۷. با توجه به بند «۴-۴» فوق، و ملاک عمل قرار گرفتن اساسنامه شرکت ملی نفت ایران با حذف تبصره «۱۱»، تصرف دولت در وجوه مزبور نیازمند تعیین تکلیف قانونی بوده و از آنجا که بخش عمده‌ای از منابع بودجه عمومی دولت، از این طریق تأمین می‌شود، تعیین تکلیف این وجوه یک ضرورت اساسی است.

۳-۲-۸. به‌رغم تصویب جدول ۸ قانون برنامه چهارم توسعه، از آنجایی که بهره مالکانه مندرج در ماده (۳) لایحه برنامه چهارم توسعه حذف شده، عملاً جدول مزبور فاقد موضوعیت و مآخذ قانونی است و ضمناً وجود جدول مزبور مجوزی برای تصرف دولت در وجوه حاصل از صادرات نفت خام تلقی نمی‌شود. بالاخص که وجود تبصره «۱۱» ضمن قوانین بودجه سنوایی برنامه چهارم توسعه، مبنای واریز وجوه ارزی مازاد به حساب ذخیره ارزی بوده است که چون در بند «ه» در این رابطه نیز مطلبی ارائه نشده، مبنای قانونی مشخص برای واریز وجوه مازاد ارزی به حساب ذخیره ارزی وجود ندارد.

۳-۲-۹. با حکم بند «ه» دولت مجاز می‌شود قیمت‌های آزاد و تکلیفی فراورده‌های نفتی، گاز طبیعی و برق را خود تعیین کند و مابه‌التفاوت سهمیه‌های آزاد و تکلیفی را به‌صورت یارانه در اختیار دستگاه قرار دهد. با این سازوکار برداشت از حساب ذخیره بدون کسب اجازه مجلس مجاز می‌شود که این امر برخلاف ماده «۱» قانون برنامه چهارم توسعه است.

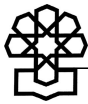
۳-۲-۱۰. تداوم عدم شفافیت در زمینه تأمین مابه‌التفاوت قیمت فروش فراورده‌های نفتی در داخل و قیمت صادراتی آن‌ها و برداشت از حساب ذخیره ارزی جهت تأمین مابه‌التفاوت بدون انعکاس در بودجه کل کشور.

۳-۲-۱۱. عدم ارائه گزارش‌های مربوط به عملکرد تولید نفت و گاز به مجلس شورای اسلامی.

۳-۲-۱۲. بلا تکلیف بودن مجوز صادرات نفت خام جهت معاوضه با بنزین توسط شرکت ملی نفت ایران.

۳-۲-۱۳. ملاک عمل قرار گرفتن ماده (۳۹) اساسنامه شرکت ملی گاز ایران به‌علت حذف موارد قانونی مربوط به تعیین سهم شرکت مزبور از درآمد حاصل از فروش گاز خام تولیدی به‌علت سکوت بند «ه» پیشنهادی در این ارتباط.

۳-۲-۱۴. نکته بسیار حائز اهمیت در بند «ه» واگذاری تعیین پرداخت مابه‌التفاوت قیمت تمام‌شده با



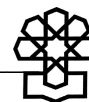
قیمت تکلیفی به تشخیص دولت است. از آنجایی که حسب ماده (۳) قانون برنامه چهارم توسعه، قیمت‌گذاری در مورد کالاهای فوق با مجلس شورای اسلامی است، لذا تفویض این اختیار طی این ماده به دولت خلاف ماده مزبور بوده و محتمل است منجر به بیش برآوردی قیمت تمام شده گردیده و با توجه به اینکه تعیین قیمت تکلیفی نیز به عهده هیئت وزیران است، می‌تواند منجر به افزایش مبلغ مابه‌التفاوت و برداشت بی‌رویه از این بابت از حساب ذخیره ارزی شود.

۱۵-۲-۳. با توجه به بند «ه» مورد بحث، شرکت ملی نفت ایران باید مشابه سایر شرکت‌های دولتی مبادرت به پرداخت مالیات و سود سهام از محل سود ویژه سالانه خود کند. اما چون در تبصره «۱۱» قوانین بودجه سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۳۸۶، در این مورد درصدی از درآمد نفت خام تولیدی به این امر اختصاص یافته، بیم آن می‌رود که دولت به استناد بند «ه» پیشنهادی، ضمن تعریف رابطه مالی بین خود و وزارت نفت (شرکت ملی نفت ایران)، مبادرت به تکرار یا تعیین درصدهای مزبور یا مشابه آن کند که این امر نیز خلاف قانون و فاقد مجوز قانونی است.

۱۶-۲-۳. در تبصره «۱۱» «به دولت اجازه داده می‌شود نسبت به عقد قرارداد با شرکت نفت براساس مقررات این بند اقدام کند». قانونگذار در بند مذکور ضوابط و مقرراتی در این خصوص وضع و چارچوب رابطه حقوقی و مالی بین دولت و شرکت نفت را مشخص کرده بود، اما در حکم پیشنهادی تعیین رابطه مالی و حقوقی بین دولت و وزارت نفت به طور مطلق و بدون تعیین ضوابط و مقررات خاصی به دولت سپرده شده است. تفویض اختیار به طور مطلق و بدون تعیین چارچوب از سوی قانونگذار مغایر اصل هشتماد و پنج قانون اساسی است.

۳-۳. استفاده از منابع ناشی از نفت در منابع عمومی دولت

در سال‌های اخیر منابع ناشی از نفت از طریق ردیف‌های متعددی وارد بودجه عمومی دولت می‌شوند. یکی از این ردیف‌ها، منابع حاصل از صادرات نفت خام است؛ که همانطور که در جدول (۱) دیده می‌شود در سال ۱۳۸۷ به حدود ۱۴۰۵۴۹ میلیارد ریال می‌رسد و حدود ۴/۴ درصد رشد دارد. علاوه بر این رقم، منابع حاصل از صادرات نفت خام برای واردات بنزین و گازوئیل (۳۰,۰۰۰ میلیارد ریال)، مالیات عملکرد شرکت ملی نفت ایران (۳۶,۷۰۰ میلیارد ریال) و سود سهام دولت در شرکت ملی نفت ایران (۵۸,۷۰۰ میلیارد ریال) نیز همگی ماهیتی نفتی دارند که نمی‌توان آن‌ها را منابع غیر نفتی در نظر گرفت. علاوه بر این واضح است که منابع حاصل از برداشت از حساب ذخیره ارزی نیز ماهیتی کاملاً نفتی دارد و باید در مجموع منابع ناشی از نفت لحاظ شود (۱۵۰۹۳۶ میلیارد ریال). با این حساب در لایحه بودجه سال ۱۳۸۷، مجموع منابع ناشی از نفت مورد استفاده ۴۱۶,۹۰۵ میلیارد ریال است که ۲۶ درصد نسبت به سال گذشته رشد دارد (جدول ۱).



جدول ۱. استفاده از درآمدهای نفتی در منابع عمومی دولت (ارقام به میلیارد ریال)

عنوان	عملکرد ۱۳۸۳	عملکرد ۱۳۸۴	عملکرد ۱۳۸۵	مصوب ۱۳۸۶	لایحه ۱۳۸۷	تغییرات لایحه نسبت به مصوب ۱۳۸۶	رشد لایحه ۸۷ نسبت به مصوب ۸۶ (درصد)
منابع حاصل از صادرات نفت خام	۱۳۸۳۵۶	۱۶۷۳۳۴	۱۳۷۹۲۲	۱۳۴۶۳۰	۱۴۰۵۴۹	۵۹۱۹	۴/۴
منابع حاصل از صادرات نفت خام برای واردات بنزین و گازوئیل	۱۰۸۲۸	۱۹۰۰۸	۴۳۹۵۹	۳۳۸۲۰	۳۰۰۰۰	۳۸۲۰-	-۱۱/۳
مالیات عملکرد نفت		۳۱۸۶۹	۲۶۱۳۴	۲۹۲۳۷	۳۶۷۰۰	۷۴۶۴	۲۵/۵
سود علی‌الحساب سهم دولت از ارزش نفت خام تولیدی	۲۸۶۸۲		۲۳۵۲۱	۲۶۳۱۳	۵۸۷۲۱	۳۲۴۰۸	۱۳۲/۲
برداشت از حساب ذخیره ارزی	۵۵۳۷۶	۶۹۳۸۳	۱۴۲۵۷۳	۱۰۶۹۹۴	۱۵۰۹۳۶	۴۳۹۴۲	۴۱/۱
جمع	۲۰۴۵۶۰	۳۱۶۲۷۶	۳۷۴۱۰۹	۳۳۰۹۹۴	۴۱۶۹۰۵	۸۵۹۱۲	۲۶/۰
جمع استفاده از درآمدهای نفتی بدون احتساب واردات بنزین	۱۹۳۷۳۲	۲۹۷۲۶۸	۳۳۰۱۵۰	۲۹۷۱۷۴	۳۸۶۹۰۵	۸۹۷۳۲	۳۰/۲

البته ارقام فوق نیز بیانگر همه منابع ناشی از نفت که توسط دولت استفاده می‌شود نیست. سالانه هزارها میلیارد ریال بابت مابه‌التفاوت قیمت آزاد و فروش داخل حامل‌های انرژی از حساب ذخیره ارزی برداشت می‌شود بدون اینکه اثری در بودجه داشته باشد. همچنین برخلاف سال‌های گذشته که دولت در قالب تبصره «۱۱»، اجازه کلی این برداشت را از مجلس می‌گرفت، امسال در قالب بند «ه» اختیار تعیین یارانه‌ها را به طور کلی از مجلس طلب کرده است.

۳-۴. اقلام عمده بودجه شرکت ملی نفت ایران براساس لایحه

بخشی دیگر از منابع ناشی از نفت در شرکت‌های تابعه وزارت نفت به ویژه شرکت ملی نفت ایران هزینه می‌شود. در سال‌های قبل بودجه شرکت‌های تابعه وزارت نفت همانند سایر شرکت‌های دولتی به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسید، اما امسال بودجه شرکت‌های دولتی از لایحه حذف و فقط به صورت اسناد پشتیبان، جهت اطلاع نمایندگان مجلس ارائه شده است که خلاف قانون اساسی و مقررات موضوعه کشور است.

۳-۴-۱. محاسبه درآمد صادرات نفت خام

با فرض صادرات ۲/۴ میلیون بشکه در روز و قیمت ۶۰ دلار در هر بشکه و نرخ برابری دلار معادل ۸۹۰۰ ریال، درآمد کلی صادرات نفت خام در سال ۱۳۸۷ حدود ۵۳/۲ میلیارد دلار یا معادل



۴۷۳,۹۸۲ میلیارد ریال می‌شود.

$$\begin{aligned} 2/4318 \times 365 &= 887/6 && \text{میزان صادرات نفت خام در سال (میلیون بشکه)} \\ 887/6 \times 10^6 \times 60 &= 53/2 \times 10^9 \$ && \text{مبلغ صادرات به دلار} \\ 53/2 \times 10^9 \times 8900 &= 473982 \times 10^9 && \text{مبلغ صادرات به ریال} \end{aligned}$$

اگر از این مبلغ سهم دولت را ۸۳/۲ درصد و سهم شرکت نفت را ۱۶/۸ درصد در نظر بگیریم، آنگاه سهم دولت ۳۹۴۳۵۳ میلیارد ریال خواهد بود. در این صورت با توجه به اینکه براساس ردیف ۲۱۰۱۰۱ دولت رقمی معادل ۱۴۰,۵۴۹ میلیارد ریال را جزو منابع خود در نظر گرفته و همچنین براساس ردیف ۲۱۰۱۰۳ رقمی معادل ۳۰,۰۰۰ میلیارد ریال به عنوان منابع حاصل برای واردات بنزین در نظر می‌گیرد رقم ۲۲۳۸۰۴ میلیارد ریال (معادل ۲۵ میلیارد دلار) باقی می‌ماند که باید به حساب ذخیره ارزی واریز شود. البته در سال ۱۳۸۷، رقمی به میزان ۱۵۰۹۳۶ میلیارد ریال (معادل ۱۷ میلیارد دلار) برداشت از موجودی حساب ذخیره ارزی در نظر گرفته شده است.

۲-۴-۳. محاسبه ارزش نفت خام تولیدی

با فرض تولید ۳/۹۸۱ میلیون بشکه نفت خام در روز در سال ۱۳۸۷ و قیمت هر بشکه ۶۰ دلار و نرخ برابری دلار معادل ۸۹۰۰ ریال ارزش نفت خام تولیدی ۸۷/۲ میلیارد دلار یا معادل ۷۷۵۹۳۷ میلیارد ریال می‌شود.

$$3/981 \times 365 \times 60 \times 8900 = 775937 \text{ میلیارد ریال}$$

با فرض اینکه ۱۶/۸ درصد ارزش نفت خام تولیدی یعنی ۱۳۰۳۵۷ میلیارد ریال (معادل ۱۴/۷ میلیارد دلار) سهم شرکت ملی نفت باشد، سهم دولت از ارزش نفت خام تولیدی ۶۴۵۵۷۹ میلیارد ریال می‌شود. (معادل ۷۲/۵ میلیارد دلار)

۳-۴-۳. محاسبه ارزش گاز مصرفی

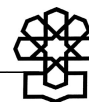
با فرض فروش حدود ۱۴۰ میلیارد متر مکعب در سال ۱۳۸۷ و نرخ ۶۹۰ ریال به ازای هر متر مکعب، ارزش گاز مصرفی در سال ۱۳۸۷، حدود ۹۶,۶۰۰ میلیارد ریال می‌باشد. با فرض اینکه همانند سه سال اخیر ۶۴ درصد ارزش گاز سهم دولت و ۱۱ درصد سهم شرکت ملی نفت ایران و مابقی سهم شرکت ملی گاز باشد، سهم دولت از ارزش گاز مصرفی رقم ۶۱,۸۲۴ میلیارد ریال و سهم شرکت ملی نفت رقم ۱۰,۶۴۰ میلیارد ریال می‌شود.

$$140 \times 10^9 \times 690 = 96600 \times 10^9 \text{ ریال ارزش گاز مصرفی}$$

$$96600 \times 10^9 \times 0/64 = 61824 \times 10^9 \text{ ریال سهم دولت}$$

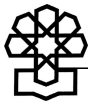
$$96600 \times 10^9 \times 0/11 = 10640 \times 10^9 \text{ ریال سهم شرکت نفت}$$

۱. براساس عملکرد سال ۱۳۸۶ تبصره «۱۱»، به دست آمده است.



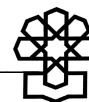
در این صورت کل سهم دولت از ارزش نفت خام تولیدی و گاز مصرفی در سال ۱۳۸۷ حدود ۷۰۷۴۰۳ میلیارد ریال (۶۱,۸۲۴+۶۴۵۵۷۹) برآورد می‌شود. از این محل دولت برای حامل‌های انرژی (فراورده نفتی و گاز و برق) مبلغی حدود ۴۱۱,۰۰۰ میلیارد ریال پرداخت خواهد کرد. همچنین رقم ۱۷۰,۵۴۸ میلیارد ریال (ردیف ۲۱۰۱۰۰) به‌عنوان منابع عمومی سال ۱۳۸۷ در نظر گرفته شده است. با کسر رقم‌های مذکور از کل سهم دولت از ارزش نفت خام تولیدی و گاز مصرفی چیزی حدود ۱۲۵۸۵۴ (۱۴ میلیارد دلار) باقی خواهد ماند. ضمناً بابت سود سهام شرکت نفت ۵۸۷۰۰ میلیارد ریال و بابت مالیات شرکت نفت ۳۶۷۰۰ میلیارد ریال در منابع عمومی سال ۱۳۸۷ منظور شده است. در ضمن براساس بند «ه» ماده واحده دولت مجوز کلی پرداخت مبلغ نامعلوم که بنابر محاسبات انجام شده حدود ۴۱۱ هزار میلیارد ریال (معادل ۴۶ میلیارد ریال) خواهد بود برای یارانه حامل‌های انرژی از مجلس طلب کرده است.

براساس محاسبات فوق سعی می‌شود در جدول زیر برآوردی از درآمدها، هزینه‌ها، منابع و مصارف شرکت ملی نفت ایران بر اساس اطلاعات موجود در اسناد پشتیبان و فروض کارشناسی ارائه می‌شود.



جدول ۲. تخمین درآمد و هزینه سال ۱۳۸۷ شرکت ملی نفت (مقدماتی)

شرح	بودجه ۱۳۸۶ (هزار میلیارد ریال)	برآورد بودجه ۱۳۸۷ (هزار میلیارد ریال)	برآورد بودجه ۱۳۸۷ (میلیارد دلار)
صادرات نفت خام			
فروش نقدی نفت خام صادراتی	۳۵۱	۴۳۲/۹	۴۸/۶
فروش نفت خام جهت معاوضه با فراورده نفتی	۳۳/۸۲	۳۰	۳/۳۷
فروش نفت خام برای بازپرداخت	۹/۳۷	۱۱/۰۹۸	۱/۲۴
فروش نفت خام خوراک پالایشگاه‌های داخلی	۲۵۳/۹۳۸	۳۰۱/۹۳۸	۳۳/۹
فروش فرآورده وارداتی به شرکت پالایش	۳۳/۸۲	۳۰	۳/۳۷
فروش گاز طبیعی به شرکت گاز	۶۶/۲۹۲	۷۰/۹۴۹	۷/۹
فروش خوراک به پتروشیمی	۱۳/۶۵۵	۱۴/۳۹۷	۱/۶۱
درآمد از محل گاز ۱ تا ۲ پارس جنوبی	۳۰	۴۲/۴	۴/۷
درآمد آماک، گوگرد، سوآپ، نفتای مارون و ...	۲/۴۳	۱/۹۲۲	۰/۲۱
فروش میعانات گازی نفت مرکزی	۱۲/۳۲	۱۳/۶۴۳	۱/۵۳
جمع درآمدها	۸۰۶/۷	۹۴۹/۲	۱۰۶/۵
هزینه جاری شرکت و مدیریت‌ها	۴۴/۵۴	۵۰/۹۷	۵/۷
پرداخت‌های تکلیفی	۵/۱۱	۵/۱۱	۰/۵۷
بهای تمام شده نفت خام سهم دولت	۵۳۸/۶۲	۶۴۵/۷	۷۲/۵
بهای تمام شده گاز سهم دولت	۶۰/۵۴	۶۵/۴	۷/۳
بهای خرید فرآورده وارداتی	۳۳/۸۲	۳۰	۳/۳۷
جمع هزینه‌ها	۶۸۲/۶	۷۹۹/۳	۸۹/۸
سود ویژه	۱۲۴/۱	۱۴۹/۹	۱۶/۸
کسر می‌شود: مالیات	۲۹/۲	۳۶/۷	۴/۱
سود ویژه پس از کسر مالیات	۹۴/۹	۱۱۳/۲	۱۲/۷
اندوخته عمومی	۱/۲۴	۱/۵	۰/۱۷
سود سهام دولت	۲۶/۳	۵۸/۷	۶/۵۹
اندوخته سرمایه‌ای	۶۷/۳	۵۳	۵/۹۵
جمع	۹۴/۹	۱۱۳/۲	۱۲/۷



جدول ۳. تخمین منابع و مصارف سال ۱۳۸۷ شرکت ملی نفت (مقدماتی)

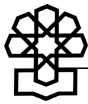
شرح	بودجه ۱۳۸۶ (هزار میلیارد ریال)	برآورد بودجه ۱۳۸۷ (هزار میلیارد ریال)	برآورد بودجه ۱۳۸۷ (میلیارد دلار)
ذخیره استهلاک	۲۲/۶۷۵	۲۶/۱۰۲	۲/۹
اندوخته سرمایه‌ای	۶۸/۵۴	۵۴/۵۲۰	۶/۱۲
درآمد عمومی	۰/۰۹۲	—	در بودجه وزارت نفت دیده شد.
وام خارجی (فاینانس و بیع متقابل)	۵۹/۶۹۷	۹۷/۱۲۱	۱۰/۹
وام داخلی	—	۱۲/۱۳	۱/۳۶
جمع	۱۵۲	۱۸۹/۸۷۳	۲۱/۳
بازپرداخت وام بیع متقابل	۴۰/۱۴	۴۰/۰۰۶	۴/۴۹
بازپرداخت وام دریافتی از بانک مرکزی	۱/۸	۱/۸	۰/۲
بازپرداخت وام و دیه و اعطای وام مسکن	۰/۱۲۷	۰/۱۲۷	۰/۰۱۴
سرمایه‌گذاری	۱۰۹/۹	۱۴۷/۹۴	۱۶/۶
جمع	۱۵۲	۱۸۹/۸۷۳	۲۱/۳

مأخذ: فروش تخمین بودجه سال ۱۳۸۷:

- نرخ برابری دلار به ریال ۸۹۰۰ ریال،
- ۱۶/۸ درصد ارزش نفت خام سهم شرکت ملی نفت و ۸۲/۲ درصد سهم دولت،
- ۶۴ درصد ارزش گاز تولیدی سهم دولت و نرخ گاز هر متر مکعب ۶۹۰ ریال،
- قیمت هر بشکه نفت خام ۶۰ دلار،
- صادرات نفت خام ۲۴۳۱/۸ هزار بشکه در روز،
- تولید نفت خام ۳۹۸۱ هزار بشکه در روز.

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادهای جایگزین

بند «ه» ماده واحده لایحه بودجه سال ۱۳۸۷ اساساً به صورتی ارائه شده که تصمیم‌گیری در زمینه رابطه مالی دولت و وزارت نفت (شرکت ملی نفت) را به دولت واگذار می‌کند. این امر به معنی واگذاری اختیار قانون‌گذاری مجلس شورای اسلامی به دولت در زمینه مهم‌ترین بخش مالی بودجه است. به عبارت دیگر، با تصویب این بند مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۷ هیچ‌گونه دخل و تصرفی در زمینه نحوه تنظیم وجوه حاصل از صادرات نفت خام، فروش داخلی نفت خام، مایعات و میعانات گازی، فراورده‌های نفتی و گازی، تولید و فروش گاز طبیعی و تصفیه شده و فروش برق نخواهد داشت. با حذف تبصره «۳۸» قانون بودجه سال ۱۳۵۸، عملاً همه تصمیم‌ها در زمینه مصارف منابع ناشی از نفت در مجمع عمومی شرکت ملی نفت ایران به ریاست رئیس‌جمهور گرفته می‌شود. بنابراین در صورت تصویب این بند در عمل، مجلس کل اختیارات خود در زمینه منابع ناشی از نفت، گاز و فراورده‌ها و نحوه استفاده از آن‌ها را از خود سلب می‌کند.



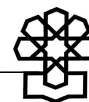
۴-۱. ضرورت ارائه بند جایگزین

از آنجا که تعیین چگونگی رابطه مالی دولت و نفت یکی از مسائل مهم و اساسی کشور است، به نظر می‌رسد تبیین این رابطه نیاز به تدوین قانون جامع نفت و اساسنامه شرکت‌های ملی نفت، گاز و پتروشیمی دارد و طرح این مساله در قالب‌بندی از لایحه بودجه سالانه اصولی نیست. به همین جهت پیشنهاد می‌شود این بند به‌گونه‌ای اصلاح گردد تا هم حقوق مجلس حفظ شود و هم دولت به اصلاح اساسنامه شرکت‌های مزبور و قانون نفت ترغیب شود.

۴-۲. پیشنهادهای جایگزین

۱. پیشنهاد اول جایگزین بند «ه»

۱. بند «ج» تبصره «۱۱» سال ۱۳۸۶ برای سال ۱۳۸۷ با اصلاحات زیر تنفیذ می‌شود.
در همه مفاد بند «ج» تبصره (۱۱) عبارت سال ۱۳۸۶ به سال ۱۳۸۷ تبدیل می‌شود.
در قسمت ۱، سهم شرکت نفت از ارزش نفت خام، $\frac{۱۶}{۸}$ درصد تعیین می‌شود.
۱. عبارت زیر به انتهای قسمت ۱ اضافه می‌شود: «مالیات عملکرد و سود سهام سال ۱۳۸۷ شرکت‌های مشمول این تبصره همانند سایر شرکت‌های دولتی تعیین می‌شود.»
۲. عبارت زیر به انتهای قسمت ۳ اضافه می‌شود: «مابه‌التفاوت‌های موضوع این تبصره (یارانه‌های انرژی) از محل اعتبار ردیف... بودجه کل کشور تأمین خواهد شد.»
۳. در انتهای قسمت ۸، این عبارت اضافه می‌شود: «درآمدهای حاصل از صادرات مایعات و میعانات گازی پس از کسر بازپرداخت وام بیع متقابل و همچنین اگر متوسط بهای نفت خام صادراتی طی سال ۱۳۸۷ بیشتر از مبلغ محاسبه شده در جداول این قانون باشد، مازاد یادشده سهم شرکت نفت تنها می‌تواند در طرح‌های سرمایه‌گذاری بالادستی نفت و گاز هزینه شود.»
۴. «شرکت ملی نفت ایران مکلف است در صورتی که بنا به دلایلی منابع مزبور در سال ۱۳۸۷ برای انجام هزینه‌های سرمایه‌ای، تعهد و یا جذب نگردد، مازاد مبالغ مزبور را در حساب جداگانه‌ای به نام شرکت ملی نفت ایران به معرفی خزانه نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نگهداری نماید. وزیر نفت مکلف است در مقاطع سه ماهه، گزارش عملکرد این بند را به تفکیک سرجمع هزینه‌های سرمایه‌ای انجام شده و مازاد غیرقابل تعهد و جذب نشده به کمیسیون‌های برنامه و بودجه و محاسبات و انرژی مجلس گزارش دهد.»
۵. در قسمت ۱۱، پاراگراف دوم، بعد از «بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» عبارت «با توجه به سقف اعتبارات ردیف‌های مصرح در این تبصره» اضافه شود.
۶. در انتهای قسمت ۱۱، این عبارت اضافه می‌شود: «وزارت نفت و نیرو همچنین موظفند نسبت به



انتشار عمومی صورت‌های مالی اساسی شرکت‌های دولتی تابعه مشمول این تبصره در مواعد قانونی مقرر و اعلام رقم یارانه‌های موضوع این تبصره به تفکیک، اقدام نمایند».

۷. «مجموع کمک‌های هیأت‌های مدیره شرکت‌های تابعه وزارت نفت به اشخاص حقیقی و حقوقی در سال ۱۳۸۷، حداکثر ریال خواهد بود. پرداخت مازاد بر این سقف به منزله تصرف غیر قانونی در اموال دولتی خواهد بود. مسئول نظارت بر حسن اجرای این حکم وزیر نفت است».

۲. پیشنهاد دوم جایگزین بند «ه»

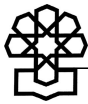
هـ) بند «ج» تبصره «۱۱» سال ۱۳۸۶ برای سال ۱۳۸۷ با اصلاحات زیر تنفیذ می‌شود. در همه مفاد «ج» تبصره «۱۱» عبارت «مایعات و میعانات گازی» بعد از «نفت خام» اضافه می‌شود. و سال ۱۳۸۶ به سال ۱۳۸۷ تبدیل می‌شود.

در قسمت ۱، سهم شرکت نفت از ارزش نفت خام و مایعات و میعانات گازی ۲۰ درصد تعیین می‌شود. عبارت زیر به انتهای قسمت ۱ اضافه می‌شود: «مالیات عملکرد و سود سهام سال ۱۳۸۷ شرکت‌های مشمول این تبصره همانند سایر شرکت‌های دولتی تعیین می‌شود.» «چنانچه متوسط بهای نفت خام صادراتی طی سال ۱۳۸۷ بیشتر از مبلغ محاسبه شده در جداول این قانون باشد مازاد یادشده مستقیماً به حساب ذخیره ارزی واریز می‌شود.» «ارزش یک محموله مایعات و میعانات گازی صادراتی، برابر قیمت معاملاتی هر محموله صادراتی از مبادی اولیه در هر ماه شمسی است».

به انتهای قسمت ۳ این عبارت اضافه می‌شود: «مابه‌التفاوت‌های موضوع این تبصره (یارانه‌های انرژی) از محل اعتبار ردیف... بودجه کل کشور به صورت درآمد - هزینه تأمین خواهد شد».

در انتهای قسمت ۸، این عبارت اضافه می‌شود: «شرکت ملی نفت ایران مکلف است در صورتی که بنا به دلایلی منابع مزبور در سال ۱۳۸۷ برای انجام هزینه‌های سرمایه‌ای، تعهد و یا جذب نگردد، مازاد مبالغ مزبور را در حساب جداگانه‌ای به نام شرکت ملی نفت ایران به معرفی خزانه نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نگهداری نماید. وزیر نفت مکلف است در پایان سال جاری، گزارش عملکرد این بند را به تفکیک سرجمع هزینه‌های سرمایه‌ای انجام شده و مازاد غیرقابل تعهد و جذب نشده به کمیسیون‌های برنامه و بودجه و محاسبات و انرژی مجلس گزارش دهد».

در قسمت ۱۱، پاراگراف دوم، بعد از «بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» عبارت «با توجه به سقف اعتبارات ردیف‌های مصرح در این تبصره» اضافه شود. در انتهای قسمت ۱۱، این عبارت اضافه می‌شود: «وزارت نفت و نیرو همچنین موظفند نسبت به انتشار عمومی صورت‌های مالی اساسی شرکت‌های دولتی تابعه مشمول این تبصره در مواعد قانونی مقرر و اعلام رقم یارانه‌های



موضوع این تبصره به تفکیک، اقدام نماید.» «مجموع کمک‌های هیات‌های مدیره شرکت‌های تابعه وزارت نفت به اشخاص حقیقی و حقوقی در سال ۱۳۸۷، حداکثر ریال خواهد بود. پرداخت مازاد بر این سقف به منزله تصرف غیر قانونی در اموال دولتی خواهد بود. مسئول نظارت بر حسن اجرای این حکم وزیر نفت است.»

۳. پیشنهاد سوم جایگزین بند «ه»

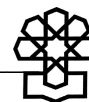
ه) وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه مکلف است صد در صد (۱۰۰٪) وجوه حاصل از فروش داخل و صادرات نفت خام را به تفکیک و به طور مستقیم از طریق بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به حساب‌های مربوطه در خزانه‌داری کل کشور (حساب درآمد عمومی و حساب ذخیره ارزی، حسب مورد) واریز نماید. در سال ۱۳۸۷، به دولت اجازه داده می‌شود حداکثر تا سقف ریال از محل منابع حاصل از درآمدهای نفت (شامل منابع حاصل از فروش نفت (ردیف ۲۱۰۱۰۰)، مالیات شرکت ملی نفت ایران (ردیف ۱۱۰۱۰۶)، سود سهام شرکت ملی نفت ایران (ردیف ۱۳۰۱۰۲)، و منابع حاصل از استفاده از موجودی حساب ذخیره ارزی (ردیف ۳۱۰۳۰۰)) دریافت و طبق ردیف‌های این قانون هزینه نماید. رابطه مالی بین دولت و شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران، شرکت ملی گاز ایران و شرکت ملی پتروشیمی ایران براساس قانون نفت و اساسنامه‌های این شرکت‌ها که تا اردیبهشت سال ۱۳۸۷ به مجلس شورای اسلامی تقدیم خواهد شد، تنظیم می‌شود. تبصره «۳۸» دائمی قانون بودجه سال ۱۳۵۸ ملغی است.

۴. پیشنهاد چهارم جایگزین بند «ه»^۱

ه) به منظور اعمال اصل حق مالکیت نسل‌های ملت ایران بر معادن کشور (شامل منابع هیدروکربوری)، که مطابق قانون اساسی در اختیار حکومت اسلامی است، به دولت به عنوان امانتدار اجازه داده می‌شود (با رعایت اصل عدالت بین نسلی در بهره‌برداری از معادن کشور) برای سال ۱۳۸۷ نسبت به عقد قرارداد بین وزارت نفت و «وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه ذیربط» براساس مقررات این بند اقدام نماید:

۱. وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه ذیربط مکلف است ارزش نفت خام تولیدی در کل کشور (به تفکیک صادراتی و مصرف داخلی) و ارزش مایعات و میعانات گازی صادراتی را پس از وضع و کسر معادل ۲۰ درصد به عنوان سهم خالص وزارت نفت از طریق شرکتهای دولتی تابعه ذیربط، مابقی معادل ۸۰ درصد را به حساب بستانکار دولت (خزانه‌داری کل کشور) منظور و به شرح مقررات این بند با دولت (خزانه‌داری کل کشور) تسویه حساب نمایند. چنانچه محموله‌هایی از

۱. این پیشنهاد شکل اصلاح شده، اقتصادی، شفاف و ارتقاء یافته بند «ج» تبصره «۱۱» قانون بودجه سال ۱۳۸۶ است.



نفت خام، مایعات یا میعانات گازی تولیدی طبق قرارداد سهم پیمانکاران گردند، ارزش آنها برابر نرخ روز محموله‌های صادراتی تعیین شده و به ارزش‌های فوق‌الذکر افزوده می‌گردند.

مالیات عملکرد و سود سهام سال ۱۳۸۷ شرکت‌های مشمول این بند همانند سایر شرکت‌های دولتی تعیین می‌شوند. چنانچه ارزش‌های نفت خام، مایعات و میعانات گازی صادراتی طی سال ۱۳۸۷ بیشتر از مبالغ محاسبه شده در جداول این قانون باشند مازاد یادشده بایستی به حساب ذخیره ارزی منظور گردد.

در مورد نفت خام تولیدی از میداین مشترک با کشورهای همسایه و میداین دریایی پنج درصد و در منطقه دریای خزر بیست درصد از سهم قابل پرداخت به دولت کسر شده و برای جبران هزینه‌های تولید به سهم خالص وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه ذیربط اضافه می‌شود. ارزش یک بشکه نفت خام صادراتی کشور از مبادی اولیه، قیمت معاملاتی یک بشکه نفت خام در هر محموله و برای هر بشکه نفت خام تحویلی به پالایشگاه‌های داخلی نیز برابر با ۹۵ درصد متوسط قیمت‌های ماهانه محموله‌های صادراتی کشور از مبادی اولیه در همان ماه، تعریف می‌گردد. ارزش یک محموله مایعات یا میعانات گازی صادراتی نیز برابر قیمت معاملاتی هر محموله مایعات یا میعانات گازی صادراتی نیز تعریف می‌گردد.

۲. وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه ذیربط مکلف است ارزش گاز طبیعی تولیدی از میدانهای نفتی و گازی را پس از وضع و کسر معادل ۳۰ درصد از ارزش گاز طبیعی به عنوان سهم خالص شرکت ملی نفت ایران و ۴۰ درصد سهم خالص شرکت ملی گاز ایران، مابقی به حساب بستانکار دولت (خزانه داری کل کشور) منظور و به شرح مقررات این بند با دولت (خزانه‌داری کل کشور) تسویه حساب نمایند. ارزش گاز طبیعی نیز معادل متوسط قیمت فصلی هر متر مکعب گاز صادراتی ایران (تعیین و تأیید شده توسط هیأت مدیره شرکت ملی نفت ایران) در همان فصل، تعریف می‌گردد.

وزارت نفت از طریق شرکتهای دولتی تابعه ذیربط و مجتمع‌های پتروشیمی (اعم از دولتی، نیمه دولتی و خصوصی) گاز طبیعی و سایر هیدروکربورهای مورد نیاز خود را با تخفیف قیمتی حداقل ۱۰ درصد و حداکثر ۲۵ درصد (حسب مورد و ضرورت به توافق متعاملین و بر اساس عرف مربوطه)، نسبت به قیمت‌های روز متعارف بین‌الملل (ارزش هر مورد) از وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه ذیربط خریداری می‌نمایند.

قیمت روز متعارف بین‌الملل برای گاز طبیعی برابر ارزش گاز طبیعی تعریف می‌گردد. قیمت روز متعارف بین‌الملل برای سایر هیدروکربورها (ارزش هر هیدروکربور) برابر متوسط قیمت‌های ماهانه محموله‌های صادراتی کشور از مبادی اولیه در همان ماه، تعریف می‌گردد. در صورتی که



کشور از هیدروکربوری صادرات نداشته باشد (به صورت مقطعی یا غیر آن)، قیمت روز متعارف بین‌الملل آن هیدروکربور (ارزش آن هیدروکربور) بر مبنای متوسط قیمت‌های ماهانه فوب در منطقه خلیج فارس (متناسب با عرف قیمت‌گذاری خاص آن هیدروکربور) در همان ماه، محاسبه می‌گردد. در مورد هیدروکربورهایی که به صورت ترکیبی به متقاضیان تحویل می‌گردد، متوسط وزنی قیمت روز متعارف بین‌الملل اجزاء متشکله آن هیدروکربور، مبنای محاسبه قرار می‌گیرند. هزینه‌های عملیاتی تفکیک و هزینه‌های دوری از محل تحویل (حسب مورد و ضرورت به توافق متعاملین و بر اساس عرف مربوطه)، به تخفیف قیمتی فوق‌الذکر افزوده می‌گردد.

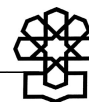
قیمت گاز طبیعی تحویلی به نیروگاهها بر مبنای ۲۵ درصد ارزش گاز طبیعی محاسبه خواهد شد. قیمت فرآورده‌های (اعم از نفت‌گاز، نفت‌کوره و...) تحویلی به نیروگاهها بر مبنای ۲۵ درصد ارزش هر فرآورده محاسبه خواهند شد.

گازهای سوزانده شده در سال ۱۳۸۷ و گازهای تزریقی به میادین نفتی از این جزء مستثنی هستند.

۳. مابه‌التفاوت متوسط قیمت‌های ماهانه فوب در منطقه خلیج فارس برای هر لیتر فرآورده‌های نفتی تولید داخل و قیمت فروش تکلیفی آنها در داخل کشور در همان ماه، در دفاتر شرکت‌های پالایش نفت به حساب بدهکار شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران ثبت و از آن طریق در بدهکار حساب دولت (خزانه‌داری کل) ثبت می‌شود. معادل این رقم در خزانه‌داری کل به حساب بستانکار شرکت ثبت شده و معادل آن بصورت گواهی اعتباری (اوراق بهاداری که توسط خزانه‌داری کل کشور در ازای حساب بدهکار وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه زیربط موضوع اجزاء (۱) و (۲) این بند و در تعهد آن شرکت صادر شده و صرفاً در معاملات شرکت‌های موضوع این بند با یکدیگر و با خزانه‌داری کل کشور، دارای ارزش خواهد بود) به شرکت داده می‌شود.

مابه‌التفاوت ارزش گاز طبیعی و قیمت فروش تکلیفی آن در داخل کشور در دفاتر وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه زیربط در بدهکار حساب دولت (خزانه‌داری کل) ثبت می‌شود. معادل این رقم در خزانه‌داری کل کشور به حساب بستانکار شرکت مذکور ثبت شده و معادل آن بصورت گواهی اعتباری به شرکت داده می‌شود.

مابه‌التفاوت ارزش برق و قیمت فروش تکلیفی آن در داخل کشور در دفاتر شرکت توانیر در بدهکار حساب دولت (خزانه‌داری کل) ثبت می‌شود. معادل این رقم در خزانه‌داری کل کشور به حساب بستانکار شرکت ثبت شده و معادل آن به صورت گواهی اعتباری به شرکت داده می‌شود. ارزش برق نیز معادل متوسط قیمت فصلی هر کیلووات ساعت برق صادراتی ایران (تعیین و تأیید



شده توسط هیأت مدیره شرکت توانیر) در همان فصل، تعریف می‌گردد.
حسب مورد و ضرورت، به قیمت‌های تعریف شده هر حامل انرژی در این بند هزینه‌های انتقال، توزیع، فروش، مالیات و عوارض تکلیفی اضافه می‌گردد.

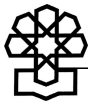
چگونگی تسویه حساب فی‌مابین خزانه‌داری کل کشور از طریق گواهی‌های اعتباری صادره یاد شده با وزارت نفت از طریق شرکتهای دولتی تابعه ذیربط و شرکت توانیر بدون گردش ریالی آن در دفاتر خزانه‌داری کل کشور به موجب دستورالعملی خواهد بود که مشترکاً توسط وزارت نفت، وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت نیرو و معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور تهیه و ابلاغ می‌شود.

عملکرد مالی این جزء به صورت مستقل پس از تأیید سازمان حسابرسی و تصویب کار گروهی متشکل از وزیران امور اقتصادی و دارایی، نفت، نیرو (در مورد برق) و معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور یا نمایندگان تام‌الاختیار آنان قطعی و قابل تسویه خواهد بود. مابه‌التفاوت‌های موضوع این بند از محل اعتبار ردیف ... بودجه کل کشور بصورت درآمد- هزینه تأمین خواهد شد.

۴. وزارت نفت از طریق شرکتهای دولتی تابعه ذیربط مکلف است صددرصد (۱۰۰٪) وجوه حاصل از صادرات نفت خام را به ترتیب مورد عمل در سال ۱۳۸۳ به عنوان علی‌الحساب پرداخت‌های موضوع جزء (۱) این بند به طور مستقیم از طریق بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به حساب‌های مربوط در خزانه‌داری کل کشور (حساب‌های درآمد عمومی مندرج در قسمت سوم این قانون و حساب ذخیره ارزی، حسب مورد) واریز نماید و در مقاطع سه ماهه بر اساس مفاد این بند، خزانه‌داری کل کشور مبادرت به تسویه حساب با وزارت نفت از طریق شرکتهای دولتی تابعه ذیربط نماید.

در صورتی که در پایان هر سه ماه طبق محاسبات مذکور در این بند، وزارت نفت از طریق شرکتهای دولتی تابعه ذیربط بابت سهم خود ناشی از تولید نفت خام، مایعات و میعانات گازی و یا شرکت توانیر از دولت (خزانه‌داری کل کشور) بستانکار شوند، وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است از طریق بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران معادل مبلغ بستانکاری وزارت نفت از طریق شرکتهای دولتی تابعه ذیربط یا شرکت توانیر را از موجودی حساب ذخیره ارزی برداشت و به وزارت نفت از طریق شرکتهای دولتی تابعه ذیربط یا شرکت توانیر حسب مورد به صورت علی‌الحساب پرداخت کند.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است به منظور تحقق منابع عمومی موضوع ردیف‌های ...، مندرج در قسمت سوم این قانون براساس اعلام وزارت امور اقتصادی و دارایی



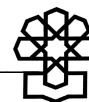
(خزانه‌داری کل کشور) درصدهای مذکور در جزء (۱) این بند را تا سقف ارقام مصوب یادشده از محل ارز حاصل از صادرات نفت خام تعهد و به نرخ روز ارز به فروش رسانده و به حساب‌های درآمدهای مربوطه که توسط خزانه‌داری کل کشور اعلام می‌شود، واریز نماید.

اضافه دریافتی دولت (خزانه‌داری کل کشور) در چهارچوب مقررات این بند از وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه زیربط از محل موجودی حساب ذخیره ارزی دولت قابل برداشت و تسویه است.

۵. شرکت‌های موضوع این بند در معاملات فی‌مابین و در رابطه مالی با خزانه‌داری کل کشور علاوه بر پرداخت‌های مرسوم، مجاز به داد و ستد گواهی اعتباری می‌باشند. خزانه‌داری کل کشور در مقاطع زمانی سه ماهه به صورت علی‌الحساب نسبت به تسویه گواهی اعتباری اقدام نموده و در پایان سال تسویه حساب نهایی انجام خواهد شد.

۶. به وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه زیربط اجازه داده می‌شود در مقابل صادرات نفت خام و معاوضه آن حداکثر تا سقف یارانه مندرج در قانون بودجه کل کشور تا معادل ارزی مبلغ ... ریال نسبت به واردات بنزین و تا معادل ارزی مبلغ ... ریال جهت واردات نفت گاز مورد نیاز کشور اقدام کنند. منابع و مصارف این جزء در ردیف‌های ... منظور در قسمت‌های سوم و چهارم این قانون به صورت جمعی - خرجی منظور می‌شود. وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه زیربط موظف است عملکرد این بند را ماهانه برای اعمال در ردیف‌های یاد شده به وزارت امور اقتصادی و دارایی (خزانه داری کل کشور) و معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور اعلام دارد.

۷. تمامی سود خالص (سود ویژه) وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه زیربط پس از کسر پرداخت‌های مذکور در جزء (۱) این بند منحصراً باید به منظور تأمین منابع لازم برای انجام هزینه‌های سرمایه‌ای شرکت‌های یاد شده (مندرج در پیوست شماره (۲) این قانون) به مصرف برسد و پس از قطعی شدن مبالغ مربوط با تصویب مجمع عمومی آن شرکت‌ها و مراجع قانونی زیربط حسب مورد به حساب‌های اندوخته قانونی و افزایش سرمایه دولت در آن شرکت‌ها منظور می‌شود. شرکت ملی نفت ایران مکلف است در صورتیکه بنا به دلایلی منابع مزبور در سال ۱۳۸۷ برای انجام هزینه‌های سرمایه‌ای، تعهد و یا جذب نگردد، مازاد مبالغ مزبور را در حساب جداگانه‌ای به نام شرکت ملی نفت ایران به معرفی خزانه، نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نگهداری نماید. وزیر نفت مکلف است در پایان سال جاری، گزارش عملکرد این بند را به تفکیک سرجمع هزینه‌های سرمایه‌ای انجام شده و مازاد غیرقابل تعهد و جذب نشده به کمیسیون‌های برنامه و بودجه و محاسبات و انرژی مجلس شورای اسلامی گزارش دهد.



۸. در سال ۱۳۸۷ بازپرداخت تعهدات سرمایه‌ای وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه زیربط از جمله طرح‌های بیع‌متقابل که به موجب قوانین مربوط، قبل و بعد از اجرای این قانون ایجاد شده و یا می‌شوند به عهده شرکت‌های یاد شده خواهد بود.

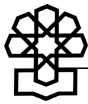
۹. وزارت نفت به نمایندگی از طرف دولت با شرکت ملی نفت ایران در چهارچوب مفاد این بند برای عملیات بالادستی نفت و گاز اقدام به عقد قرارداد خواهد نمود. این قرارداد باید به تصویب هیأت‌وزیران برسد.

همچنین دستورالعمل‌های حسابداری لازم، به نحوی که آثار تولید و فروش نفت خام، مایعات و میعانات گازی، گاز طبیعی و حامل‌های انرژی حسب مورد در دفاتر قانونی و حساب سود و زیان وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه زیربط و شرکت‌های توانیر نیز انعکاس داشته باشد، با پیشنهاد مشترک وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت نفت، وزارت نیرو (در مورد برق) و معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور تنظیم و ابلاغ می‌شود.

۱۰. در سال ۱۳۸۷ کلیه قوانین و مقررات خاص و عام مغایر با این بند از جمله بند (۳۸) دائمی قانون بودجه سال ۱۳۵۸ ملغی‌الآثر است و روابط مالی و حقوقی فی‌مابین دولت (وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی) و وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه زیربط در مورد دریافت سود سهام و انواع مالیات‌ها و عوارض صرفاً طبق احکام مقرر در این بند، قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن و قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا و ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب ۱۳۸۱ خواهد بود و پرداخت هر مبلغ دیگر توسط وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه زیربط که طبق مقررات قانونی وضع می‌شود در بدهکار حساب دولت (خزانه‌داری کل کشور) موضوع جزء (۱) این بند منظور می‌شود.

آیین‌نامه اجرایی این بند و سازوکار تسویه حساب بین خزانه‌داری کل کشور و وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه زیربط و شرکت‌های توانیر به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های نفت، امور اقتصادی و دارایی، نیرو (در مورد برق)، معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با توجه به سقف اعتبارات ردیف‌های مصرح در این بند به تصویب هیأت‌وزیران می‌رسد.

وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه زیربط و شرکت‌های توانیر مکلفند گزارش عملکرد ماهانه این بند را به کمیسیون‌های اقتصادی، انرژی، برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی ارسال نمایند. وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه زیربط و شرکت‌های توانیر مکلف به



انتشار عمومی صورت های مالی اساسی شرکت های مشمول این بند در مواعد قانونی مقرر و اعلام رقم یارانه های (تفاوت ارزش حسب هر مورد با قیمت تکلیفی) موضوع این بند به تفکیک، هستند.

۱۱. دولت مکلف است اساسنامه های شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی گاز ایران و شرکت ملی صنایع پتروشیمی را جهت تصویب تا پایان شهریور ماه ۱۳۸۷ به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.

منابع و مأخذ

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲. قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران.
۳. قانون اساسنامه شرکت ملی گاز ایران.
۴. قانون نفت جمهوری اسلامی ایران.
۵. قانون برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران.
۶. قانون برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران.
۷. قانون محاسبات عمومی کشور.
۸. قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی.
۹. قانون بودجه سال ۱۳۵۸.
۱۰. قانون بودجه سال ۱۳۸۴.
۱۱. قانون بودجه سال ۱۳۸۵.
۱۲. قانون بودجه سال ۱۳۸۶.
۱۳. گزارش تفریغ بودجه سال ۱۳۸۴.
۱۴. لایحه بودجه سال ۱۳۸۷.



شماره مسلسل: ۸۷۸۸

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: درباره لایحه بودجه سال ۱۳۸۷ کل کشور (۱۵) نفت در لایحه

Report Title: Oil in the Budget Bill 1387

نام دفاتر: مطالعات برنامه و بودجه (گروه بودجه)، مطالعات زیربنایی

تهیه و تدوین: ایرج مهرآزما، ناهید حکیم شوشتری، میثم پیله‌فروش

ناظر علمی: محمد قاسمی

متقاضی: کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات

ویراستار: —

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آن‌ها:

۱. لایحه بودجه (Budget Bill 1387)

۲. نفت (Oil)

منابع و مآخذ تهیه گزارش:

در انتهای گزارش درج شده است.

تاریخ انتشار: ۱۳۸۶/۱۱/۲